

ابراهیم عثمان اف*

پیشرو مطبوعات

ایرانیان مهاجر در تاریخ مدنیت شوروی تاجیک، عموماً در تاریخ روزنامه‌نگاری تاجیکستان نقش فراموش‌ناشدنی دارند. بسیاری از این افراد از اوایل سالهای سده ۲۰ و پس از جنبشها و حرکت‌های انقلابی در ایران، به اتحاد شوروی، مخصوصاً به آذربایجان و تاجیکستان و ازبکستان مهاجرت نمودند که البته برای این کشورها منشأ ثمره‌های نیک گردیدند و در این بین می‌توان از استاد ابوالقاسم لاهوتی و هم‌مسلكانش ق. دیلمی، م. تهماسب‌اف، س. قاسم‌اف، م. موسوی، رحیم نوبری و دیگران نام برد. در تاجیکستان، این اشخاص عموماً در پایتخت کشور، شهر دوشنبه سکنی داشتند و در همان جا به کار مشغول شدند. فعالیت شغلی عمده آنها اکثر در عرصه مطبوعات پایتخت تاجیکان و اساساً در روزنامه‌های «بیداری تاجیک»، «تاجیکستان سرخ» و مجله‌های «دانش - بینش» و «دانش و آموزگار»، و نیز در وزارت معارف (آموزش و پرورش) تاجیکستان بود که در بیداری معنوی مردم این خطه سهم بسزایی دارند. میان مطبوعات دوشنبه، بویژه جراید نامبرده، نوعی رقابت معنوی با مطبوعات تاجیکی سمرقند داشت که این «رقابت» برای احیای مدنیت قدیم و

* استاد دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان، دکتر تاریخ.

پایداری فرهنگ نو مساعدت می نمود. به نظر می رسد که بویژه در سالهای دهه ۲۰ و ۳۰ هم قطاران ایرانی فداکارانه در عرصه مطبوعات تاجیک فعال بودند و این خدمت پرارزشی بود. زیرا خود تاجیکستان هنوز به اندازه کافی کادرهای ورزیده نداشت و تربیت آنها نیز به دوش هم زبانان ایرانی افتاده بود.

یکی از شخصیت‌های معروف این گروه که در پیدایش و شکل‌گیری مطبوعات شوروی تاجیک واقعاً سهم ارزنده‌ای داشت، قاسم طاهرزاده دیلمی بود که نگارنده افتخار آشنایی با وی را داشتم. در بخش رادیوی خارجی اداره رادیو تاجیکستان که وی آنجا کار می کرد، ملاقاتهای بسیار داشتیم.

طاهرزاده از نظر شخصیتی، فردی آرام و کم حرف بود و هر گاه هم که شروع به سخن گفتن می کرد، صدایش آرام و تقریباً با صدای پایین بود. اما هر گاه به موضوع دلخواهش، مخصوصاً مسئله تاریخ مطبوعات تاجیکستان و ایران صحبت می شد، نامها و تاریخها و اعداد و ارقام را چنان دقیق نقل می کرد که حیران می ماندید. او خود تاریخی زنده بود و چیزی که نقل می کرد، نه از روی شنیده‌ها، بلکه نتیجه سالها تجربه خود بود. در سخن او دردی نهفته احساس می شد، دردی ناشی از قدرناشناسی‌ها، تحقیرها، ناباوری‌ها، دلمردگی‌ها، امیدهای بر باد رفته و ... اما علی‌رغم اینها، دلشکسته و ناامید نمی نمود و با وجود سن و سال زیاد و دوری از وطن، سرزنده به نظر می رسید.

در دایره‌المعارف شوروی تاجیکستان درباره ق. دیلمی چنین آمده است: «سال ۱۹۰۴ در ایران، در عایله کم‌بغل (کم‌بضاعت) تولد شده است. اشتراکچی برقرار و مستحکم کردن حاکمیت سوویتی (شوروی) در

تاجیکستان است. ژورنالیست. از سال ۱۹۲۵ با دعوت لنینی عضو حزب کمونیست اتحاد شوروی بود.

قاسم طهراویچ در سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۵ در دارالفنون کمونیستی محنتکشان شرق (شهر مسکو) درس خواند، سپس برای کار به تاجیکستان آمد. فعالیت محنتی اش (حرفه‌ای، شغلی) را در اوراتپه سر کرد، مدیر شعبه ترغیب و تشویق کمیته حزبی منطقه و مدیر شعبه تشکیلی کمیته کمسومولی (اتحادیه کمونیستی جوانان) منطقه اوراتپه بود. سپس به بخش سخنان (سخنگوی) کمیته حزبی تاجیکستانی کمیته مرکزی حزبی کمونیستی ازبکستان به کار فرستاده شد (۱۹۲۶) و در عین وقت نماینده حکومت در مبارزه ضد باسمه‌چیان (شورشیان) منطقه کولاب بود. مدتی کاتب (دبیر) تشکیلاتچی کمیته حزبی ولایت کولاب بود.

سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۹ سردار اداره معارف سیاسی تاجیکستان و گلاولیت (نظارت ادبی) بود و سال ۱۹۲۹ کاتب مسئول کمیته اجرائیه مرکزی تاجیکستان شد. انجمن مؤسسان حزب کمونیست تاجیکستان سال ۱۹۳۰ او را محرر روزنامه مرکزی خود - «تاجیکستان سرخ» تعیین کرد. سال ۱۹۳۴ جانشین مدیر شعبه ترغیبات و مدیر بخش مطبوعات کمیته مرکزی حزب کمونیستی تاجیکستان و سالهای ۱۹۳۵-۱۹۳۷ مدیر نشریات دولتی تاجیکستان بود. از سال ۱۹۲۶ تا سال ۱۹۳۷ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست تاجیکستان و عضو کمیته اجرائیه مرکزی تاجیکستان بود.»

دوران شخصیت‌پرستی و تزییق اواخر سالهای ۳۰ به چنین افراد فعال سیاسی و علمی تأثیر منفی رساند، آنها را یا نابود، یا آواره و

سرگردان کرد. دایره‌المعارف شوروی تاجیک در بارهٔ حیات پرفاجعهٔ این مرد در سالهای ۱۹۳۷-۱۹۵۶ یعنی دربارهٔ حدود بیست سال از زندگی این مرد بکلی خاموش است. گویا او در این دوره اصلاً نبود و از نو در سال ۱۹۵۶ احیاء می‌شود. دایره‌المعارف مذکور پس از نادیده گرفتن بیست سال فعالیت این مرد ادامه می‌دهد: «تا سال ۱۹۷۴ محرر کلان، سرمحرر و محرر کمیتهٔ دولتی تلویزیون و رادیوشنوانی تاجیکستان بوده، در بخش خارجی رادیو فعالیت کرده است. او اولهای سالهای هشتادم از عالم گذشت».

در این چند سطری که با ارقام خشک، اما گویای ترجمه‌حالی داده شده، چند نکته مشاهده می‌شود که روشنی‌بخش و شرح زندگی این مرد بزرگ است. با اندکی دقت در می‌یابیم که سالهای دههٔ ۲۰ وی همزمان در چند وظیفه کار می‌کرد. این دروغ نیست. در آن سالها کادرهای باسواد و بالیاقت و جوانانی دانشمند مانند قاسم دیلمی کم بود و از این رو، به ناچار چنین افرادی همزمان در چند جا به خدمت گرفته می‌شدند. با این حال و علی‌رغم این که دایره‌المعارف مذکور از دو وظیفهٔ او در سال ۱۹۲۵ در اوارتپه یاد کرده، اما از صحبتی که با ما دانشجویان شعبهٔ روزنامه‌نگاری سال ۱۹۶۵ داشت و از مقاله‌ای که با نام «آغاز کار» در ماه ژانویهٔ ۱۹۶۶ در «کمسومول تاجیکستان» چاپ کرد، معلوم می‌شود که وی وظیفه‌ای دیگر نیز داشته است. او یکی از بانیان تأسیس و محرر روزنامهٔ «فکر جوان» نیز بوده است.

قاسم دیلمی کار روزنامه‌نگاری را در دانشگاه کمونیستی مسکو آموخته بود. در زمان تحصیل وی در آنجا یک شماره از مجلهٔ «
«ستارهٔ شرق»» با چند زبان، از جمله زبان فارسی نشر شده بود و از احتمال دور نیست که در آماده نمودن این نشریه او فعالانه شرکت

داشته است.

در سالهای ۲۰ قاسم طاهرزاده از مؤلفان فعال مطبوعات آن سالها - «بیداری تاجیک» و «راهبر دانش» بود و بیشتر در موضوعهای مستحکم کردن بنیاد شوراهای و رشد معارف می‌نوشت و همچون کارمند مسئول حزب و حکومت در آماده نمودن فرمان‌ها، قرارهای گوناگون، از جمله راجع به مطبوعات شرکت می‌کرد، نشر آنها را در مطبوعات تأمین می‌نمود و اجرای آنها را نیز نظارت میکرد، در ضمن برای مسئولین حکومت و حزب گزارش آماده می‌نمود. اشتراک فعال مطبوعاتی وی در آن ظاهر می‌شد که عضو هیئت تحریریه «بیداری تاجیک»، «تاجیکستان سرخ» و اولین محرر این روزنامه بود که پس از مدتی به نشریه حزب کمونیست تاجیکستان و حکومت تاجیکستان تبدیل شد. «تاجیکستان سرخ» زمان راهبری وی علمدار مبارزه برای بنیاد صنعت تاجیکستان، رواج کشاورزی کشور و تطبیق انقلاب مدنی بود. انقلاب مدنی شامل موضوعهای محو بی‌سوادی، آزادی زنان، رشد مکتب، مطبوعات و ادبیات و دیگر مسئله‌های همسان بود. بنابر این هم نه تنها در ساحة کار دولتی، بلکه در همه عرصه‌های حیات مدنی وی از شخصیت‌های پیشرو به حساب می‌رفت. با مساعدت وی و رهبری بی‌واسطه او نخستین انجمن مخبران کارگر و دهقان برگزار گردید. در این انجمن وی به عنوان دبیر انجمن در باره برد و باخت حرکت مخبران کارگر و دهقان، در خصوص روزنامه‌های پرتیراژ م.ت.س. (مراکز خدمات) ماشینهای کشاورزی) ها، وضع مطبوعات ناحیه‌ای و رابطه آنها با «تاجیکستان سرخ» گزارش داشت. زمانی که دیلمی محرر «تاجیکستان سرخ» بود، تیراژ این نشریه به ۱۰ هزار نسخه رسیده بود و در آن صفحه‌های خاص ادبیات و صنعت (هنر) نفیسه، جوانها، زنها، دهقانان، همچنین ستون

طنز جا داده شد در ملاقات‌هایی که او با دیگر ادیبان از جمله یو. فوجیک (. .)، پ. لوکنیسکی (. .)، ی. کیش (. .) و دیگران داشت، مدنیت تاجیک، زندگی نو تاجیکستان را تبلیغ می‌کرد. او در تأسیس اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، برگزاری برنامه‌های آن نیز فعالانه شرکت نموده است.

در سال ۱۹۳۰ رادیو تاجیکستان آغاز به کار نمود که در تشکیل و برنامه‌سازی آن ق. دیلمی اشتراک داشت. اصلاً رادیو و «تاجیکستان سرخ» در زمان آغاز فعالیت مؤسسه اطلاعاتی نو گویا جزو همدیگر بودند. اواسط سالهای دهه ۳۰ زمان تأسیس و تثبیت نشریات دولتی تاجیکستان در استالین‌آباد (شهر دوشنبه کنونی) بود و در همین ایام قاسم دیلمی در این مؤسسه مدیر بود. نشر آثار کلاسیک، نشر اولین آثار ادیبان جوان تاجیک، اولین ترجمه‌های ادبی مربوط به همین دوره‌اند. حدود ۲۰ سال آخر عمر قاسم دیلمی در بخش خارجی رادیو تاجیکستان می‌گذرد. او یکی از سازمان‌دهندگان و رهبران آن است. بخش رادیوی خارجی، کشورهای هم‌زبان را با اوضاع و دگرگونی‌های مهم اجتماعی و سیاسی کشورمان آشنا می‌کرد.

قاسم دیلمی با اینکه محقق تاریخ مطبوعات نبود، اما از آنجا که در تشکیل و رشد مطبوعات فعالانه شرکت داشت، سخنرانی‌ها و مقاله‌های او در سالهای ۳۰ و نوشته‌ها و خاطراتی که طی دهه‌های ۶۰ - ۷۰ نوشته و از جمله «روزهای تاریخی فراموش‌نشونده»، «آغاز کار»، «مطبوعات تاجیک و کادرهای آن» و... در تاریخ بررسی مطبوعات این دوران بسیار باارزش می‌باشند. برای درک این واقعیت، پاره‌ای را از «دفتر خاطرات دیلمی» که ب. احمداف به چاپ حاضر کرده است، اقتباس می‌کنیم:

«اداره روزنامه «بیداری تاجیک» با ماشین چاپ‌کنی دستی و دو نفر حروفچین خود مابین استاخانه‌ها و دکان‌های سوداگران اطراف بازار در

یک دکان پاخسه‌گین نمناک جایگیر بود. کارکنان روزنامه و حروفچینان اذیت می‌کشیدند. روزهای دراز در میان قیل و قال بازاریان، صداهای ناهنجار دستگاه‌های استاخانه‌ها، عربده‌های درویشان، ناله‌های گدایان و شبهای تار در روشنایی چراغ‌های کرسینی کم‌نور، در گرما و سرما روزنامه را منتشر می‌کردند... متأسفانه روزنامه‌نگاران کارآموده ملی انگشت‌شمار بودند. برای چاپ روزنامه کاغذ نمی‌رسید. بنابر این روزنامه «بیداری تاجیک» هفته‌ای سه بار، دو بار و گاهی یک بار می‌برآمد».

او در یادداشتش از کمیسر معارف تاجیک عباس علی‌اف که اولین محرر روزنامه مذکور بود، از اولین معاش‌گیران روزنامه - سیدباقر قاسم‌اف و مهدی تهماسب‌اف که بعد محرر هم شده‌اند و از دیگر محرران مسئول «بیداری تاجیک» استاد ا. لاهوتی، قلی عابدین‌اف، سیف‌الله عبدالله‌اف، نثارمحمداف، م. حسنی، قنبرزاده، م. سعیدزاده. کلیمچتسکی، آ. کوزنیتسوف با احترام یاد می‌کند. او همچنین در جمع اولین مخبران سلیم‌زاده، غ. علی‌زاده، حکیم کریم، حیرت‌زاده، صادق‌اق، محمدجان رحیمی و رحیم‌زاده از وی نام می‌برد.

فعالیت سب

پیشروان مطبوعه

بیشتر می‌باشد.

زلفیه عطایی*

زائور دخته، مردی از تبار هنر

دنیای پراسرار و رازگونه افاده‌گر تابش‌های گوناگون دید آدمی به

* شاعره، سردبیر مجله «فیروزه».